

سازمان جهانی تجارت و تأثیر آن بر بازار نفت خام (چالش‌ها و فرصت‌ها)

روح‌اله مهدوی*، موسی خوشکلام خسروشاهی**

تاریخ دریافت ۹۱/۷/۱۶	تاریخ پذیرش ۹۲/۲/۲۱
----------------------	---------------------

امروزه یکی از مباحث مهم در همه کشورها فرایند جهانی شدن و جهانی سازی اقتصاد است. در این فرایند، نحوه و ضوابط تجارت کالاهایی بیشتر مورد توجه است که در تجارت بین‌المللی جایگاه استراتژیکی دارند. حامل‌های انرژی به خصوص نفت خام از جمله این کالاهاست که لحاظ آن در بین کالاهای سازمان جهانی تجارت مسائل مختلفی را مطرح کرده است. از آنجاکه قیمت نفت تحت تأثیر عوامل روانی، عرضه و تقاضا و ... است، قرار گرفتن آن در فهرست کالاهای سازمان جهانی تجارت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر این عوامل تأثیر می‌گذارد. اصولی مانند رفتار ملی و محدودیت مقداری به ترتیب به‌طور مستقیم می‌تواند بر تقاضا و عرضه نفت خام تأثیرگذار باشد. علاوه بر این موافقت‌نامه‌های عمومی تعرفه و تجارت، تجارت خدمات و موانع فنی فرا راه تجارت هم می‌تواند شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات مهندسی را به سمت رقابتی شدن سوق دهد. کلیدواژه‌ها: سازمان جهانی تجارت؛ بازار نفت خام؛ اصل رفتار دولت کاملاًالوداد؛ اصل رفتار ملی

* دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)؛

Email: r_mahdavi_ir@yahoo.com

** دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی؛

Email: mosa_khosrowshahy@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیستم، شماره هفتاد و چهار، تابستان ۱۳۹۲

مقدمه

امروزه سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی وابسته به آن حامی فرایند جهانی شدن در سطح بین‌الملل هستند. در بعد اقتصادی سه سازمان صندوق بین‌المللی پول^۱، بانک جهانی^۲ و سازمان جهانی تجارت^۳ سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌اند که کاملاً در راستای جهانی کردن اقتصاد قرار دارند. این سازمان‌ها که به نوعی نقش هماهنگ‌کننده اقتصاد جهانی را برعهده دارند با استفاده از ابزارهای در اختیارشان کشورهای در حال توسعه را به این سمت سوق می‌دهند. به بیان دیگر عملکرد این سازمان‌ها برای حضور اقتصادهای ملی در فرایند اقتصاد جهانی نوعی اجبار است و هر کشوری که آمادگی حضور نداشته باشد، در مسیر انزوا قرار می‌گیرد. نکته حائز اهمیت اینکه نحوه و ضوابط تجارت کالاهایی بیشتر مورد توجه است که در تجارت بین‌المللی جایگاه استراتژیکی دارند. حامل‌های انرژی به‌خصوص نفت خام از جمله این کالاهاست (اکبری، ۱۳۸۹).

پس از تشکیل سازمان جهانی تجارت، به‌علت اهمیت نفت در اقتصاد کشورهای صادرکننده بیشتر این کشورها خواهان شمول نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت هستند. علاوه بر این کشورهای صادرکننده نفتی که تاکنون عضو این سازمان نبوده‌اند، به عضویت در این سازمان تمایل دارند. اولین بار سال ۱۹۹۴ در سمینار منطقه‌ای در کازابلانکا و از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ در هشت نشست و مجمع گوناگون بین‌المللی تأثیرات عضویت در سازمان جهانی تجارت بر معاملات مواد نفتی و فراورده‌های آن مطرح شد (حائریان اردکانی، ۱۳۸۱). موضوع انرژی به‌خصوص نفت خام در سازمان جهانی تجارت بحث جدیدی نبوده است و درباره تجارت انرژی به‌عنوان بخشی از گات^۴ اولیه در سال (۱۹۴۴) قواعد خاصی بیان نشد که یکی از دلایل احتمالی آن، عدم عضویت

1. International Money Fund
2. World Bank
3. World Trade Organization (WTO)
4. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

صادرکنندگان نفت خام در گات بود و همچنین ملاحظات سیاسی و امنیتی درباره نفت خام بر تجارت این کالا تأثیرگذار بوده است. پس از بحران نفت خام در دهه ۱۹۷۰ برخی کشورها تلاش کردند تا با استفاده از موافقت‌نامه‌های تجارت، محدودیت را در صادرات^۱ نفت خام کاهش دهند (Gibbs, 2003).

وابستگی به درآمدهای نفتی به چهار دلیل وضعیت خطرناکی را برای صادرکنندگان نفت به دنبال دارد (حیسی دباغ، ۱۳۸۹):

۱. چنانچه قیمت جهانی کالایی مانند نفت ثابت نباشد، طراحی و هماهنگی برنامه‌های توسعه اقتصاد این کشورها بر مبنای درآمدهای حاصل از فروش آن کاری بسیار دشوار خواهد بود، به گونه‌ای که تغییرات پیش‌بینی نشدنی قیمت آن می‌تواند توسعه اقتصادی را با چالشی جدی روبه‌رو کند.

۲. اگرچه نفت خام را می‌توان بر اساس معیارهایی به انواع سبک و سنگین دسته‌بندی کرد اما باز هم کالایی اولیه محسوب می‌شود که از تجارت بین‌صنعتی^۲ ممانعت می‌کند.

۳. منابع طبیعی مانند نفت خام محدود و تجدیدنپذیر است.

۴. کشورهای صادرکننده نفتی با توجه به مزایای رقابتی در تولید و صادرات این کالا در مسیر توسعه اقتصادی باید آثار منفی و جانبی بیماری هلندی^۳ را در نظر بگیرند؛ یعنی تقویت ارزش پول ملی در مقابل پول خارجی به دلیل درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی و کاهش قدرت رقابت میان کالاهای تولید شده داخلی نسبت به کالاهای مشابه خارجی و در نتیجه تبدیل کالاهای قابل مبادله بین‌المللی^۴ به کالاهای غیرقابل مبادله^۵ که در نهایت ضربه ناگهانی به تولید و اشتغال خواهد زد.

بنابراین با توجه به اهمیت نفت که مهم‌ترین حامل انرژی هم برای کشورهای

-
1. Export Restrictions
 2. Intra-Industry Trade
 3. Dutch Disease
 4. Tradable Goods
 5. Non-Tradable Goods

صادرکننده و هم برای کشورهای واردکننده است و اهمیت سازمان جهانی تجارت در تنظیم روابط تجاری، این تحقیق در نظر دارد تا نقش سازمان جهانی تجارت را در بازار نفت بررسی کند. بر این اساس مقاله حاضر با بیان تاریخچه‌ای درباره سازمان جهانی تجارت و نفت، چشم‌انداز و تأثیرات شمولیت نفت را در این سازمان مطرح می‌کند. سپس با توجه به اهمیت اوپک و سازمان جهانی تجارت در بازار نفت و همچنین موافقت‌نامه‌های تأثیرگذار بر این بازار مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت راهبردهایی برای کشورهای وابسته به درآمد نفتی با شمولیت نفت در سازمان جهانی تجارت و نتیجه‌ای که می‌توان از بحث گرفت در پایان آمده است.

۱ تاریخچه و اصول سازمان جهانی تجارت و نفت

پس از عدم توفیق برای تشکیل سازمان تجارت بین‌المللی^۱ در سال ۱۹۴۷ و سازمان همکاری‌های تجاری^۲ در سال ۱۹۵۵، با شروع مذاکرات دور اروگوئه در سال ۱۹۸۶ دیدگاه‌هایی مبنی بر تأسیس سازمان جهانی تجارت مطرح شد. در سال ۱۹۹۱ کانادا، اتحادیه اروپا و مکزیک پیشنهاد تشکیل نهادی به نام سازمان تجارت چندجانبه جهانی را دادند که با مخالفت شدید آمریکا روبه‌رو شد؛ اما به دلیل پافشاری دیگر اعضای گات تأسیس سازمان جهانی تجارت مورد توافق اکثریت اعضا قرار گرفت و در نهایت آمریکا رسماً تشکیل این نهاد را پذیرفت.

از این رو مقرر شد از اول ژانویه ۱۹۹۵ این سازمان کار خود را آغاز کند و مدت دو سال به کشورهای عضو گات که سند نهایی دور اروگوئه را امضا کرده بودند، فرصت داده شد تا شرایط الحاق خود به سازمان جهانی تجارت را فراهم آورند. البته سازمان جهانی تجارت، سازمان جدیدی نبود؛ قبل از آن سازمان «توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت» (گات)

1. International Trade Organization
2. Organization of Trade Cooperation

با اختیارات کمتری وجود داشت (مقصودی، ۱۳۸۸). اصول مهم سازمان جهانی تجارت عبارت‌اند از (حیبی دباغ، ۱۳۸۹):

الف) اصل عدم تبعیض: تجارت بدون تبعیض نخستین اصل نظام تجاری چندجانبه است و شامل دو قاعده ذیل است:

• قاعده رفتار دولت «کامل‌الوداد»^۱ در این قاعده کشورها نمی‌توانند میان طرف‌های تجاری‌شان تبعیض قائل شوند. در صورت اعطای مساعدت خاص به یک کشور (همانند عوارض گمرکی پایین برای یکی از محصولاتشان) باید همان را به دیگر اعضا هم اعطا کنند. البته اصل رفتار دولت کامل‌الوداد دربرگیرنده استثنائاتی نظیر تجارت میان اعضای ترتیبات تجاری منطقه‌ای و نظام عمومی ترجیحات است.

• قاعده رفتار ملی:^۲ وقتی کالاهای خارجی وارد بازار داخلی می‌شود، باید همانند کالاهای داخلی با آن رفتار شود. «رفتار ملی» در موافقت‌نامه‌های اصلی نظام تجاری چندجانبه یافت می‌شود (ماده (۳) گات، ماده (۱۷) موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات و ماده (۳) موافقت‌نامه حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت).

ب) استفاده از محدودیت‌های کمی در تجارت همچون سهمیه‌بندی و صدور پروانه واردات ممنوع بوده و حمایت از صنایع داخلی فقط با تعرفه‌های گمرکی شفاف، امکان‌پذیر است.

ج) کاهش و تثبیت تعرفه‌های گمرکی و حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، مگر در محصولات کشاورزی که با مشکلاتی در پرداخت‌ها مواجه‌اند.

د) برقراری نظام تعرفه‌های ترجیحی با هدف اعطای امتیازات تجاری به بعضی فرآورده‌های کشورهای در حال توسعه، برای ساده‌سازی رقابت کالاهای این کشورها با کالاهای تولیدی کشورهای صنعتی.

1. Most Favoured Nation (MFN) Principle
2. The National Treatment Principle

ه) هر گونه عمل کشورهای عضو که جنبه دامپینگ (فروش کالا به زیر قیمت تمام شده برای تصاحب بازار) داشته باشد، ممنوع است.

و) وضع مالیات بر کالای وارداتی بیشتر از میزان کالاهای ساخت داخل، برای کشورهای عضو ممنوع است.

ز) اعطای هر گونه وام (کمک بلاعوض) و تخفیف مالیاتی برای تشویق صادرات کالا، غیرقانونی است.

ح) مشورت درباره سیاست‌های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات ناشی از روابط تجاری از طریق مذاکره الزامی است.

ط) اصل شفافیت: موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) قبل از آزادی تجارت به دنبال شفافیت در نظام تجاری کشورهاست؛ زیرا اولاً، کاهش موانع تجاری وقتی ممکن است که این موانع شناخته شده باشند و ثانیاً، بازرگانان بیش از آنکه نگران بالا بودن موانع تجاری باشند، نگران عدم شفافیت آنها هستند. گات شفافیت در نظام تجاری اعضا را در قالب تعهداتی تضمین کرده است که عبارت‌اند از: ۱. حمایت از صنایع و بنگاه‌های داخلی از طریق تعرفه که شفاف‌ترین ابزار حمایتی است. ۲. شفافیت در همه قوانین و مقررات تجاری، احکام قضایی و دستورات اداری مرتبط با تجارت از جمله در نظام مالیاتی.

ی) اصل قابلیت پیش‌بینی و ثبات: نظام تجاری چندجانبه تلاشی است برای ایجاد محیط بازرگانی پایدار و قابل پیش‌بینی (امنیت بازار) برای سرمایه‌گذاران و بازرگانان. در این نظام وقتی کشورها موافقت می‌کنند بازارهای خود را بر کالاها بگشایند، تعهداتشان را تثبیت می‌کنند. تثبیت تعرفه به معنای متعهد شدن برای افزایش ندادن تعرفه است. در این صورت تعرفه باثبات و قابل پیش‌بینی می‌شود. اعضای نظام تجاری چندجانبه فقط هنگامی می‌توانند تعرفه‌های تثبیت شده را تغییر دهند که در مذاکره، طرف‌های تجاری آن را بپذیرند. نظام تجاری چندجانبه تلاش می‌کند با روش‌های دیگری مانند ممنوعیت استفاده از سهمیه‌ها، قابلیت پیش‌بینی و ثبات را بهبود بخشد (Chang and Lee, 2011).

با این حال هنوز اطمینانی نیست به اینکه نفت تا چه اندازه با گات و سازمان‌های جهانی تجارت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنابر دلایلی نفت خام هرگز در خلال سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ در موافقت‌نامه‌های تجاری گات مطرح نبوده است. با توجه به موافقت‌نامه‌های فعلی سازمان جهانی تجارت، سازمان‌هایی مثل اوپک و آوپک معتقدند نفت خام از این موافقت‌نامه‌ها استثنا شده‌اند، در حالی که سازمان جهانی تجارت و کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (آنکتاد) معتقدند اگرچه نفت خام به‌طور خاص در قوانین و مقررات قید نشده، اما از آن نیز استثنا نشده است. البته در مورد مطرح نبودن نفت در مذاکرات تجاری و موافقت‌نامه‌های گات دلایل سیاسی و اقتصادی خاصی وجود دارد (ژیمنز گوئرا، ۱۳۸۱).

نفت از آغاز قرن بیستم بیشتر به‌عنوان کالایی استراتژیک مطرح بوده تا کالایی اقتصادی و تأثیر مهمی در جنگ‌های جهانی و پس از آن داشته است. از آنجاکه در اوایل مذاکرات گات، بیشتر حوزه‌های نفتی در آمریکای شمالی، خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا در کنترل شرکت‌های چندملیتی با مالکیت آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی بودند و کشورهای عضو مایل نبودند بر سر کنترل ذخایر تنش ایجاد شود، تصمیم گرفتند این کالای استراتژیک را از مذاکرات مستثنا کنند؛ زیرا نگران بودند که جنبه سیاسی استراتژیک نفت، مسائل فنی گات را به مباحث سیاسی تبدیل کند. در آن زمان اعضای گات یا از عمده‌ترین کشورهای صادرکننده نفت نبودند و یا هنوز وضعیت مستعمره داشتند و از میان آنها فقط اندونزی، کویت و نیجریه عضو گات بودند. علاوه بر این چون در کشورهای اروپایی نفت چندان تولید نمی‌شد تعرفه گمرکی زیادی بر نفت و فراورده‌های آن وضع نمی‌کردند. در چنین وضعیتی، ارتباط میان کشورهای صادرکننده نفت در آسیا، آفریقا و گات بسیار ضعیف بود؛ زیرا آنها عملاً کنترلی بر نفت خود نداشتند و نمی‌توانستند بر تجارت بین‌المللی هم تأثیرگذار باشند (همان).

از آنجاکه سازمان جهانی تجارت خود را در اصول مدافع تجارت آزاد در جهان

می‌داند، درخواست بعضی کشورهای خلیج فارس را برای قرار دادن نفت در دستور کار این سازمان رد کرده است. آیا علت این کار منافع سرشار آمریکا و به خصوص اروپا از عدم شمول نفت در مذاکرات چندجانبه سازمان جهانی تجارت نیست؟ نفت کالای منحصربه‌فردی است که حدود نیمی از تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد، ولی چون نظام تولید، توزیع و قیمت‌گذاری آن رقابتی نیست منافع هم به‌طور عادلانه بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده تقسیم نمی‌شود. مقایسه درآمد کشورهای اروپایی از مالیات بر فروش فراورده‌های نفتی با درآمد کشورهای صادرکننده نفت شاهدهی بر این ادعاست (حائریان اردکانی، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

در مذاکرات دور اروگوئه در خصوص کاهش تعرفه‌های گمرکی نفت و فراورده‌های نفتی در کشورهای واردکننده (به‌استثنای تعرفه‌های گمرکی اتحادیه اروپا) هیچ مذاکره‌ای انجام نشد؛ زیرا تعرفه‌ها اساساً بسیار ناچیز بود. در این دور از مذاکرات کشورهای عضو کاهش عمده‌ای در تعرفه‌های فراورده‌های نفتی براساس اصل دولت کامله‌الوداد ایجاد کردند. همان‌طوری که در جداول ذیل مشاهده می‌شود، دامنه نرخ‌های تعرفه واردات بین ۵/۵ سنت برای هر بشکه نفت در ایالات متحده آمریکا تا ۲۱۵ ین برای هر هزار لیتر در ژاپن است.

درحالی که سطح تعرفه‌های گمرکی برای فراورده‌های نفتی پس از دور اروگوئه همچنان بالاتر از تعرفه‌های نفت خام باقی ماند و در برخی کشورها هیچ تغییری نکرد. آمریکا و ژاپن پس از دور اروگوئه در تعرفه‌های خود بر واردات فراورده‌های نفتی تغییری ندادند، اما اتحادیه اروپا سطح این تعرفه‌ها را از ۵ الی ۷ به ۳/۵ الی ۴/۷ درصد تقلیل داد. مذاکرات دور اروگوئه نتوانست نرخ‌های تعرفه گمرکی نفت خام و فراورده‌های نفتی را چندان کاهش دهد، اما در کاهش تعرفه‌ها برای محصولات پتروشیمی به‌نسبت موفق بود. البته این محصولات سهم چندانی در صادرات کشورهای عضو اوپک ندارد و پایین بودن نرخ‌های تعرفه واردات نفت خام در کشورهای توسعه‌یافته کاملاً با منافع آنها سازگار است؛

سازمان جهانی تجارت و تأثیر آن بر بازار نفت خام (چالش‌ها و فرصت‌ها) ۱۴۳

زیرا این کشورها برای تأمین نیازهای خود به نفت ارزان احتیاج دارند (عبدالله، ۱۳۸۲).

جدول ۱ تعرفه‌های دولت کامل‌الوداد قبل و بعد از دور اروگوئه در بازارهای عمده

وارداتی نفت خام

منطقه	دامنه تعرفه قبل از دور اروگوئه	دامنه تعرفه بعد از دور اروگوئه
اتحادیه اروپا	صفر	صفر
ایالات متحده آمریکا	۵/۵ سنت در هر بشکه (بدون محدودیت مقداری)	۵/۵ سنت در هر بشکه (بدون محدودیت مقداری)
ژاپن	۳۵۰ ین برای هر هزار لیتر (بدون محدودیت مقداری)	۲۱۵ ین برای هر هزار لیتر (بدون محدودیت مقداری)

جدول ۲ تعرفه‌های دولت کامل‌الوداد قبل و بعد از دور اروگوئه در بازارهای عمده

واردات فراورده‌های نفتی

منطقه	دامنه تعرفه قبل از دور اروگوئه	دامنه تعرفه بعد از دور اروگوئه
اتحادیه اروپا	۵-۷ درصد	۳/۵-۴/۷ درصد
ایالات متحده آمریکا	۵/۸ درصد (۸۴ سنت در هر بشکه)	۵/۸ درصد (۸۴ سنت در هر بشکه)
ژاپن	۳۰۳۳ ین در هر هزار لیتر	۳۰۳۳ ین در هر هزار لیتر

جدول ۳ تعرفه‌های دولت کامل‌الوداد قبل و بعد از دور اروگوئه در بازارهای عمده

واردات هیدروکربوری (محصولات پتروشیمی)

(درصد)

منطقه	دامنه تعرفه قبل از دور اروگوئه	دامنه تعرفه بعد از دور اروگوئه
اتحادیه اروپا	۰-۱۴	۰-۵/۵
ایالات متحده آمریکا	۰-۱۸	۰-۵/۵
ژاپن	۰-۲۴	۰-۵/۵

علاوه بر این در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات؛^۱ چارچوبی برای مذاکرات درباره تعهدات تجاری خدمات مرزی نظیر خطوط لوله نفت و انتقال دریایی و سرمایه‌گذاری خارجی در میدان‌های نفتی و توزیع بنزین و ورود سرمایه‌گذاران خارجی برای انجام خدمات اکتشاف و دیگر خدمات تعیین شد. در واقع طی دوره‌های مختلف گات، نفت و فراورده‌های آن بارها به‌طور غیرمستقیم موضوع مذاکرات بوده و کشورهای عمده صادرکننده نفت قوانین و مقررات متعددی را مطرح کرده‌اند که تأثیر ملموسی بر صنعت و بازارهای جهانی نفت داشته است. بسیاری از این مقررات و قواعد ابتدا اختیاری، ولی متعاقباً به‌صورت اجباری و الزام‌آور به مجموعه مقررات سازمان جهانی تجارت اضافه شد (حائریان اردکانی، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

۲ چشم‌انداز و تأثیرات شمول نفت در سازمان جهانی تجارت

اکنون کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت در مورد خدمات فنی میدان‌های نفتی تعهدی نداده‌اند، ولی ممکن است در آینده از آنها درخواست شود. برای اطلاع از محتوای مذاکرات آینده سازمان جهانی تجارت درباره انرژی و نفت می‌توان برخورد با این موضوع را در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای بررسی کرد. در بیشتر موارد دیدگاه‌های موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای در موافقت‌نامه چندجانبه هم دیده می‌شود. تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)،^۲ معاهده منشور انرژی^۳ و شورای همکاری اقتصادی حوزه آسیا پاسیفیک^۴ از جمله موافقت‌نامه‌هایی است که اعضای آن برای مسئله نفت اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند (مقصودی، ۱۳۸۸).

نفتا اصول گات را طوری تفسیر می‌کند تا بتواند تعهدات جدیدی ایجاد کند که نتایج

1. General Agreement on Trade in Services (GATS)
2. North American Free Trade Agreement (NAFTA)
3. Energy Charter Treaty (ECT)
4. Asia Pacific Economic Cooperation

آن محدودیت در توانایی طرف‌های تجاری نفتا در استفاده از قیمت‌گذاری دوگانه برای ایجاد تنوع در بخش نفت (پتروشیمی) است. معاهده منشور انرژی، سازوکاری برای سرمایه‌گذاری، تجارت و ترانزیت بخش انرژی ارائه می‌دهد که شامل جامعه اروپا، اروپای شرقی و مرکزی، روسیه، کشورهای سابق اتحاد جماهیر شوروی، استرالیا و ژاپن است. شورای همکاری اقتصادی حوزه آسیا پاسیفیک که در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد، سیاست‌های انرژی را از سوی کارگروه انرژی اتخاذ کرده و وزارت بازرگانی یا انرژی کشورهای عضو آنها را تأیید می‌کنند.

ایالات متحده آمریکا خواهان مذاکرات منطقه‌ای و چندجانبه برای تأثیرگذاری بر تجارت کالا و خدمات انرژی است. اهداف این کشور ترکیبی از سیاست ملی (توسعه صادرات و دسترسی به مواد اولیه)، امنیتی (به‌علت اختلافی که با برخی کشورهای صادرکننده نفت دارد به امنیت در تأمین واردات نفت خود نیاز دارد) و حفظ محیط زیست است. از این رو سعی دارد حاکمیت خود را با محدودیت بر واردات به بهانه امنیت و حفظ محیط زیست اعمال کند و در همان حال صادرات کالاهای مربوط به انرژی، خدمات و سرمایه را افزایش دهد.

سیاست آمریکا در تجارت انرژی همیشه با توجه به اهداف اقتصادی و امنیتی‌اش تنظیم شده است به طوری که با توجه به نقش خاص انرژی در امنیت این کشور، در برابر الحاق بخش انرژی به سیستم جهانی تجارت مقاومت می‌کند. بنابراین ممکن است در آینده بخش انرژی بین موافقت‌نامه‌های مختلف جای بگیرد که دلیل آن بیشتر به منافع کشورهای واردکننده انرژی به خصوص نفت مربوط است. با ورود نفت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی، گروه‌های مختلفی تحت تأثیر قرار می‌گیرند که شامل کشورهای عضو و غیرعضو سازمان جهانی تجارت، عضو اوپک، واردکننده و در حال توسعه واردکننده نفت و صادرکننده نفت غیر اوپک می‌شود. علاوه بر آن سازمان‌هایی مانند آژانس بین‌المللی انرژی، اتحادیه منطقه‌ای نفتا و معاهده منشور انرژی هم بی‌تأثیر نخواهند بود.

سؤال مطرح این است که اگر تجارت نفت مانند دیگر کالاها که تعرفه آنها در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت در حال کاهش است، قیمت آن با توجه به حذف محدودیت کمی تعیین شود که میل به قیمت‌های رقابتی دارد، چه تأثیراتی در اقتصاد کشورها خواهد گذاشت؟ یا شمولیت نفت در سازمان جهانی تجارت چه تأثیری بر بخش بالادستی و پایین‌دستی این سازمان می‌گذارد؟

۱-۲ تأثیر بر کشورهای واردکننده نفت

با توجه به اینکه نفت یکی از مواد اولیه و حیاتی در صنایع کشورهای واردکننده است پس تحت شمول قرار گرفتن یا ننگرفتن آن در سازمان جهانی تجارت می‌تواند تأثیرات به‌سزایی بر صنایع بگذارد که هم می‌تواند مثبت و هم منفی باشد. با شمولیت نفت در تجارت جهانی ساختار بازار نفت رقابتی‌تر شده و اتفاقات سیاسی تأثیر کمتری بر قیمت نفت دارد. تأثیر اوپک نیز در قیمت‌گذاری نفت کم‌رنگ‌تر خواهد شد. همچنین براساس قوانین سازمان جهانی تجارت، شرکت‌های ملی نفت بایستی به‌صورت خصوصی یا تجاری فعالیت کنند. این امر به رقابت بین شرکت‌های ملی و بین‌المللی نفت منجر می‌شود که شرکت‌های بین‌المللی، با توجه به سطح تکنولوژی می‌توانند سود بیشتری کسب کنند. براساس قوانین سازمان جهانی تجارت، کشورهای دارنده ذخایر نفتی نمی‌توانند یک نظام قیمت‌گذاری دوگانه برای نفت اجرا کنند؛ یعنی قیمت نفت پالایشگاه‌های داخلی و خارجی نباید تفاوت زیادی داشته باشد. این امر موجب می‌شود تا شرکت‌های فرآورده‌های نفتی خارجی بتوانند در بازارهای داخلی کشورهای صادرکننده نفت فعالیت داشته باشند.

در کنار این پیامدهای مثبت، پیامدهای منفی نیز وجود خواهد داشت که مهم‌ترین آنها افزایش تقاضا و کمبود عرضه نفت خام در کشورهای واردکننده نفت است. از آنجا که یکی از اصول اولیه گات کاهش حقوق گمرکی واردات کالاها مثل نفت خام است، پس قیمت تمام شده برای مصرف‌کننده کاهش و تقاضا افزایش می‌یابد. برای پاسخ‌گویی به

افزایش تقاضا در کوتاه‌مدت باید عرضه نفت خام افزایش یابد که این کار با واردات نفت خام از کشورهای خاورمیانه به دلیل افزایش تولید یا اضافه ظرفیت تولید تأمین می‌شود. حال با توجه به رشد مصرف در کشورهای صادرکننده نفت، مشکلاتی مثل سرمایه‌گذاری، زمان‌بر بودن افزایش تولید و افت تولید در میدان نفتی، ممکن است عرضه مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به افزایش تقاضا را با مشکل مواجه کند.

۲-۲ تأثیر بر کشورهای صادرکننده نفت

کشورهای صادرکننده نفت را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: کشورهای اوپک و غیراوپک. شمولیت نفت در سازمان جهانی تجارت پیامدهای مثبت و منفی مختلفی بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت به خصوص کشورهایی خواهد داشت که به درآمدهای نفتی وابسته هستند.

۲-۲-۱ پیامدهای مثبت

شمولیت نفت در سازمان جهانی تجارت می‌تواند تأثیرات مثبتی بر کشورهای صادرکننده نفت داشته باشد که عبارت‌اند از:

الف) هنگامی که نفت همانند دیگر کالاها در مذاکرات سازمان جهانی تجارت وارد شود و قیمت‌گذاری آن به‌طور آزاد و رقابتی انجام گیرد، عوامل سیاسی و روابط غیرمتعارف بین کشورهای واردکننده و صادرکننده نفت تأثیری در تعیین قیمت نفت نخواهد داشت، به گونه‌ای که نفت از کالای استراتژیک و سیاسی به کالای معمولی تبدیل می‌شود. در این صورت کشورهای صادرکننده نفت می‌توانند از منافع تجاری خود در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت دفاع کنند.

ب) دسترسی کشورهای صادرکننده به بازار نفت، سرمایه خارجی، تکنولوژی و فناوری جدید در صنعت نفت، آسان‌تر می‌شود. همچنین براساس قوانین این سازمان،

کشورهای عضو نمی‌توانند از تحریم‌های اقتصادی علیه دیگر اعضا استفاده کنند، البته به جز مواردی که در چارچوب فصل هفتم منشور سازمان ملل انجام می‌پذیرد.

ج) کشورهای عضو اوپک در چارچوب مقررات این سازمان می‌توانند بر عوامل مختل‌کننده تجارت بین‌المللی نفت از جمله مالیات و سیاست‌های زیست‌محیطی کشورهای مصرف‌کننده غلبه کنند. در واقع شمول نفت در سازمان جهانی تجارت باعث کم‌اثرتر شدن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در هنگام ورود به بازار، حذف یا کاهش مالیات‌هایی شود که مصرف‌کننده می‌پردازد. کاهش حقوق گمرکی بر واردات نفت براساس اصول اولیه تشکیل گات است. با کاهش تدریجی حقوق گمرکی، قیمت تمام شده نفت برای مصرف‌کننده کاهش می‌یابد در نتیجه باعث افزایش تقاضا می‌شود (Schott and Watal, 1999).

د) کشورهای عضو اوپک می‌توانند از سازوکارهای حل اختلاف سازمان جهانی تجارت برای مواردی استفاده کنند که کشورهای مصرف‌کننده اقدامات تبعیض‌آمیزی را علیه نفت اجرا می‌کنند. از آنجا که کشورهای صادرکننده نفت به علت فقدان نفوذ سیاسی و اقتصادی کافی به ایجاد تعهدات یک‌جانبه برای طرف تجاری خود قادر نیستند، در چارچوب مقررات حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌توانند به حقوق خود برسند.

۲-۲-۲ پیامدهای منفی

پیامدهای منفی شمولیت نفت در سازمان جهانی تجارت نیز عبارت‌اند از:
الف) با توجه به اینکه بیشتر کشورهای صادرکننده نفت، کشورهای در حال توسعه هستند و به یک ذخیره طبیعی متکی‌اند، عمده‌ترین تأثیر قوانین سازمان جهانی تجارت بر این کشورها بر حق اعمال حاکمیت ملی آنها بر منابع طبیعی‌شان متمرکز است که تنها مزیت نسبی آنها در تجارت خارجی به‌شمار می‌آید. مقررات و توافق‌نامه‌هایی که در این سازمان تصویب و یا تفسیرهایی که از آنها می‌شود، می‌تواند این کشورها را در بهره‌برداری از مزیت نسبی منابع طبیعی خود برای رسیدن به توسعه محدود کند.

ب) از آنجا که نفت عمده‌ترین منبع تأمین درآمد ارزی برای کشورهای صادرکننده نفت است، هر اقدامی که به کاهش ارزش ذخایر طبیعی منجر شود، تبعات منفی چشمگیری برای نظام اقتصادی و سیاسی این کشورها می‌تواند به دنبال داشته باشد.

ج) سیاست‌های توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه در چارچوب «اقدامات سرمایه‌گذاری مربوط به تجارت» با موانعی روبه‌روست. به این معنا که کشورهای صادرکننده نفت نمی‌توانند خرید شرکت‌های نفتی را به بازارهای داخلی محدود کنند.

د) با وجود توافق عمومی مبنی بر لزوم حفاظت از محیط زیست، کاملاً مشخص است که سیاست‌های زیست‌محیطی در سال‌های اخیر با اهداف حمایت‌گرایانه مورد استفاده قرار گرفته و تبعات منفی مهمی برای کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشورهای صادرکننده سوخت‌های فسیلی داشته است (Finger and Hoekman, 1999).

۲-۳ تأثیر بر بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت

شمول نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت می‌تواند با تأثیرات مختلفی بر واحدها، فعالیت‌ها و بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت در کشورهای صادرکننده نفت داشته باشد. صنایع بالادستی شامل ماشین‌آلات، ابزار و وسایل مورد نیاز صنعت نفت و همچنین خدمات مهندسی لازم برای این کار است و صنایع پایین‌دستی نیز شامل پالایشگاه‌ها، کارخانجات تولید مواد پتروشیمی و محصولات شیمیایی هستند.

همان‌طور که در قسمت‌های قبل مطرح شد با ورود نفت به تجارت جهانی به دلیل رفع برخی موانع، تقاضا برای این کالا افزایش می‌یابد که موجب افزایش سرمایه‌گذاری در بخش نفت می‌شود و از آنجا که باید بخشی از نیاز ماشین‌آلات از بازار داخل تأمین شود، علاوه بر توسعه فروش نفت، درآمد تولیدکنندگان ابزار و وسایل مورد نیاز صنعت نفت را افزایش می‌دهد. افزایش تولید باعث کاهش هزینه و بهبود کیفیت این گروه از کالاها می‌شود و در نتیجه امکان رقابت در بازار بین‌المللی را برای آنها فراهم می‌کند. واحدهای

تولید مواد پتروشیمی در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت بیشتر براساس وجود مزیت نسبی در دسترسی به مواد اولیه ارزان ایجاد شده‌اند. بنابراین تا زمانی که با مواد اولیه ارزان تغذیه شوند ناکارایی آنها در تولید مشهود نیست و می‌توانند به کار خود ادامه دهند. شمول نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت بر سیاست دوگانه قیمت مواد نفتی در داخل کشورهای غیرعضو تأثیر ندارد. از این رو شرکت‌های پتروشیمی را از برخورداری مواد اولیه ارزان محروم نمی‌کند. درحالی که به‌علت آزادسازی، قیمت نفت در جهان کاهش پیدا می‌کند و کشورهای صادرکننده نفت را به‌طور نسبی از استفاده این مواد اولیه ارزان‌تر محروم می‌سازد. البته اگر کشوری بخواهد پس از عضویت با ورود نفت در تجارت جهانی بیشترین استفاده را ببرد، باید بر ساخت تجهیزات تکنولوژیکی صنعت نفت سرمایه‌گذاری کند.

۳ اوپک و سازمان جهانی تجارت

از آنجاکه اوپک یکی از سازمان‌های تأثیرگذار بر بازار نفت خام و ایران از اعضای تأثیرگذار آن است بنابراین بررسی رابطه و مقایسه این سازمان با سازمان جهانی تجارت ضروری است. با توجه به ساختار سازمانی، به‌نظر می‌رسد که این دو سازمان بسیار متفاوت از یکدیگرند. سازمان جهانی تجارت چندجانبه بوده که هم‌اکنون دارای ۱۵۳ عضو است (حدود ۲۶ کشور نیز در حال مذاکرات الحاق هستند) و هر کشوری آزاد است برای الحاق مذاکره انجام دهد، درحالی که اوپک با دوازده عضو سازمانی بین‌المللی است و عضویت در آن برای کشورهای صادرکننده نفت که منافع مشترک با اعضای دیگر دارند، آزاد است. بنابراین می‌توان گفت سازمان جهانی تجارت بر بخش‌های مختلفی کنترل و نظارت دارد، درحالی که اوپک به‌علت موقعیت خاص خود فقط بر یک کالا کنترل و نظارت دارد. به‌این ترتیب این دو سازمان از بسیاری جهات باهم تفاوت دارند. برای مثال، منطق

وجودی سازمان جهانی تجارت، برقراری تجارت آزاد بوده درحالی که منطق اوپک به‌عنوان سازمان بین‌الدولی در دست داشتن قیمت نفت خام بوده است. اهداف، ابزار و سازوکارهای اجرایی (قضاوت‌های مبتنی بر قانون در مقابل فشارهای جمعی) در مورد هر یک متفاوت است (Desta, 2003).

به‌طور کلی سازمان جهانی تجارت درصدد رفع موانع تجاری از طریق تحریم اقدامات مختل‌کننده، استفاده از محدودیت‌های کمی بر واردات و صادرات و مشوق کاهش متقابل و حذف تعرفه‌های وارداتی است. اما اوپک مخالف رقابت میان اعضا برای به‌دست آوردن سهم بازار بوده و در پی تنظیم قیمت‌ها با کنترل بر عرضه محصول است. این شیوه عملکرد برخی را بر آن داشته تا تصور کنند اوپک یک کارتل هیدروکربنی است که در صحنه سیاست انرژی بین‌المللی مفهوم منفی و تحقیرآمیز دارد (ژیمنزگوئرا، ۱۳۸۱).

به‌هر حال عضویت در سازمان جهانی تجارت امتیازاتی از جمله فضای قابل پیش‌بینی و مطمئن تجاری و دسترسی به بازار ۱۵۸ کشور جهان دارد. تولیدکنندگان عمده نفت خام برای مطرح کردن مخالفتشان با مالیات‌های بالای انرژی در کشورهای مصرف‌کننده، باید از چارچوب سازمان جهانی تجارت و همه امکانات و ظرفیت‌های آن استفاده کنند؛ یعنی تولیدکنندگان نفت با هر نوع مالیاتی که تفاوت در نفت و دیگر سوخت‌ها مانند زغال‌سنگ و یا گاز طبیعی را افزایش دهد، می‌توانند مخالفت کنند. از سویی با توجه به اینکه نفت اصلی‌ترین منبع درآمد ارزی بیشتر کشورهای اوپک محسوب می‌شود و در آینده میان‌مدت نیز چنین خواهد بود، بنابراین پیوستن به سازمان‌های مختلف باید با در نظر گرفتن جایگاه نفت و امکان حداکثرسازی منافع این کشورها انجام شود. درباره مذاکرات آینده مسائلی وجود دارد که کشورهای عضو اوپک باید برای افزایش قدرت چانه‌زنی دیدگاه‌ها و منافع خود را با آنها هماهنگ سازند، این مسائل عبارت‌اند از: توجه به مسائلی که باعث اختلال در تجارت نفت می‌شود (مانند مالیات بر نفت خام و فرآورده‌های نفتی و مسائل زیست‌محیطی در کشورهای مصرف‌کننده) و همچنین این نکته که تاکنون مالیات

بر مصرف نفت خام و فراورده‌های نفتی و سیاست‌های تجاری به‌خودی‌خود سدی در برابر تجارت بین‌المللی نفت خام نبوده است.

۴ موافقت‌نامه‌های تأثیرگذار بر ساختار بازار نفت

با توجه به مطالب مطرح شده برای بررسی بهتر تأثیرگذاری سازمان جهانی تجارت بر بازار نفت، برخی موافقت‌نامه‌های موجود در این سازمان ارائه و تحلیل شده است (حبیبی دباغ، ۱۳۸۹).

۴-۱ موافقت‌نامه گات

گات (۱۹۹۴) یک موافقت‌نامه چندجانبه میان کشور عضو است که قالب رفتاری تجارت بین‌المللی کالاها از جمله صادرات و واردات را تعیین می‌کند. مهم‌ترین قواعد گات رعایت رفتار دولت کامل‌الوداد، رفتار ملی و ممنوعیت محدودیت مقداری است. در این موافقت‌نامه می‌توان موارد مختلفی را مشاهده کرد که برای کشورهای صادرکننده نفت اهمیت دارد و عبارت‌اند:

۴-۱-۱ محدودیت‌های صادراتی و قیمت‌گذاری دوگانه

گرچه مذاکرات گات بیشتر بر محصولات صنعتی متمرکز بود و کمتر درباره تجارت مواد خام به بحث می‌پرداخت، ولی موضوعاتی نظیر قیمت‌گذاری دوگانه گاز طبیعی و نفت و محدودیت‌های صادراتی در مذاکرات دوره‌های مختلف مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. مثلاً در سال ۱۹۵۰ یک گروه کاری در چارچوب مذاکرات گات به بررسی محدودیت‌های صادراتی مواد خام پرداخت. این محدودیت که دولت‌ها برای تضمین فراهم بودن مواد خام مورد نیاز صنایع داخلی وضع می‌کردند، بیشتر با قیمت‌گذاری همراه بود به طوری که قیمت این مواد را پایین‌تر از قیمت‌های جهانی نگه می‌داشت.

در نهایت گروه کاری نتیجه گرفت که طبق توافق‌نامه گات، برقراری هرگونه محدودیت بر صادرات مواد خام برای حمایت از صنایع داخلی چه با اعطای یارانه به صنایع داخل برای خریدن این مواد و چه با محدود کردن عرضه مواد به متقاضیان خارجی ممنوع است و دولت‌ها باید چنین سیاست‌هایی را کنار بگذارند. اما آمریکا به دلایل سیاسی و امنیت ملی در چارچوب قانون کنترل صادرات و محدودیت واردات، با سهمیه‌های اجباری در مورد نفت خام و مشتقات نفتی، محدودیت‌های صادراتی وضع کرده است. با توجه به تأثیر آمریکا در تشکیل گات (۱۹۴۷) و اهمیت نفت در اقتصاد این کشور و همچنین نفوذ سیاسی تولیدکنندگان داخلی آمریکا، در واقع این ماده موافقت‌نامه برای حفظ منابع این کشور گنجانده شده است و در هر صورت برای کشورهای صادرکننده نفت استناد می‌شود.

۲-۱-۴ تعرفه‌ها و فراورده‌های نفتی

مذاکره برای کاهش تعرفه‌ها در چارچوب سازمان تجارت، چالش جهانی مهمی برای کشورهای صادرکننده نفت محسوب نمی‌شود؛ زیرا تعرفه‌هایی که بر واردات نفت خام، فراورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی اعمال می‌شود بسیار پایین است و در برخی موارد به‌طور کلی این محصولات از عوارض گمرکی معاف‌اند. از آنجا که به تدریج کشورهای بیشتری از صادرکنندگان نفت به عضویت سازمان جهانی تجارت درمی‌آیند در آینده می‌توانند با شرکت در مذاکرات مانع افزایش تعرفه‌های نفت و فراورده‌های آن را شوند و راه‌های دسترسی صادرکنندگان به بازارهای جهانی را مطمئن‌تر کنند.

۳-۱-۴ مالیات‌ها و نفت

تجارت بین‌المللی فراورده‌های نفتی با مانع تعرفه‌ای خاصی روبه‌رو نیست، اما مالیات‌های سنگینی که دولت‌ها در کشورهای صنعتی بر این محصولات گذاشته‌اند، عملاً به مانعی بر

سر راه صدور بیشتر نفت و فراورده‌های نفتی آن به این کشورها تبدیل شده است و به‌علاوه این مالیات‌ها در آمد چشمگیری را نصیب دولت‌های مزبور می‌کند. از نظر کشورهای صادرکننده نفت مالیات‌های سنگینی که کشورهای واردکننده بر فراورده‌های نفتی وضع کرده‌اند، اثر منفی مضاعفی بر مصرف این فراورده‌ها در مقابل دیگر منابع انرژی دارد که توانایی صادرکنندگان را در کسب درآمد از منابع طبیعی خود محدود می‌سازد.

در مذاکرات گات سال ۱۹۹۴ بحث مالیات‌ها مطرح شده و کشورها توانستند بر کالاها مالیات داخلی وضع کنند، مشروط به اینکه بین کالاهای داخلی و وارداتی استثنایی وجود نداشته باشد. ساختار کنونی مالیات بر مصرف نفت و فراورده‌های آن در کشورهای صنعتی به گونه‌ای است که از سوخت‌های مشابه تولید داخل، مالیات پایین‌تری اخذ می‌شود؛ مثلاً در کشورهایی که دارای معادن زغال‌سنگ هستند، نابرابری در وضع مالیات بر فراورده‌های نفتی و زغال‌سنگ، مغایر با اصل رفتار ملی است. همچنین در کشورهایی که هیچ نوع سوختی تولید نمی‌کنند، وضع مالیات بر واردات نفت و فراورده‌های نفتی و زغال‌سنگ متفاوت است و تخطی از قاعده دولت کامل‌الوداد است.

۲-۴ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی

در دور اروگوئه موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی تدوین شد که براساس آن یارانه به هر نوع کمک مالی دولت به صورت انتقال مستقیم وجوه، چشم‌پوشی از درآمد دولتی قابل وصول و یا تأمین کالا و خدمات دولتی (جز دسترسی به زیرساختارها) اطلاق می‌شود. از این رو سه نوع یارانه مجاز، ممنوع و قابل پیگیری تعریف شده است. یارانه مجاز به صنعت یا شرکت خاصی محدود نمی‌شود. یارانه‌های ممنوع شامل یارانه صادراتی و یارانه‌هایی است که به استفاده از محصولات داخلی بستگی دارد. یارانه قابل پیگیری نیز به صنعت یا شرکت خاصی پرداخت می‌شود که آسیب به صنایع دیگر اعضا می‌زند. در مقابل این یارانه‌ها می‌توان به اقدامات جبرانی دست زد. به‌طور کلی یارانه‌های مصرفی نظیر یارانه‌های

سوخت که به مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شود، مشمول قواعد موافقت‌نامه نیست و پرداخت آنها مجاز است. موافقت‌نامه یارانه‌های نفت، گاز، مشتقات آنها و محصولات پتروشیمی کاربردهایی دارد.

۳-۴ موافقت‌نامه حقوق ضد دامپینگ

براساس این توافق‌نامه محصول دامپینگ شده به قیمتی پایین‌تر از قیمت متعارف خود در بازار داخلی کشور هدف عرضه شده و قیمت صادراتی آن پایین‌تر از قیمت محصولات مشابه در بازار کشور صادرکننده است. این توافق‌نامه می‌تواند در صدور فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی تأثیرات مهمی داشته باشد. عرضه انرژی، نفت و گاز ارزان به این صنایع در کشورهای صادرکننده نفت و گاز همواره از نظر دیگر کشورها، عاملی برای دامپینگ در کشورهای واردکننده محسوب می‌شود. طبق توافق‌نامه در صورتی دامپینگ تلقی می‌شود که عرضه نهادهای تولید با قیمت‌های ترجیحی فقط محدود به صنایع صادراتی باشد. در کشورهای صادرکننده نفت، مواد خام ارزان (نفت و گاز) تقریباً به‌طور یکسان در اختیار صنایع صادراتی و غیرصادراتی قرار می‌گیرد و از این رو نمی‌توان آن را مصداق دامپینگ دانست. به‌ر حال ورود نفت به مذاکرات سازمان جهانی تجارت و عضویت کشورهای صادرکننده آن می‌تواند تأثیر چشمگیری بر کاهش عوارض و تعرفه‌ها داشته باشد.

۴-۴ موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت

این موافقت‌نامه شامل فهرستی از موضوعات قانونی است که باید براساس آنها مقررات فنی تنظیم شود. در این فهرست موضوعات زیست‌محیطی قرار دارد و از آنجا که نفت و فرآورده‌های آن به‌طور مستقیم بر محیط زیست تأثیر گذارند، در صورت ورود نفت و گاز به مذاکرات سازمان جهانی تجارت، تولید و تجارت جهانی آن از موافقت‌نامه مذکور متأثر

خواهد شد. تعدادی از قواعد پذیرفته شده در این موافقت‌نامه مستقیماً با کشورهای صادرکننده نفت ارتباط می‌یابد.

اولاً، این موضوع مطرح می‌شود که در صورت ورود نفت به مذاکرات سازمان جهانی تجارت و حذف استانداردها و مقررات فنی غیرضروری از طرفی کشورهای عضو واردکننده نفت و فراورده‌های آن، دسترسی این کشورها به بازار و به‌ویژه بازارهای شرکای تجاری عمده افزایش می‌یابد. برای مثال براساس اصل رفتار ملی، آمریکا باید استانداردهای غیرضروری را که بر واردات بنزین ونزوئلا وضع کرده - و سبب شده است که این کشور بر بازار بنزین آمریکا دسترسی نداشته باشد - از میان بردارد چون بنزین تولیدی آمریکا هم این استانداردها را ندارد.

ثانیاً، یکسان‌سازی استانداردها و مقررات فنی موجب می‌شود که استانداردها در سطحی بین‌المللی و با همکاری همه کشورهای جهان از جمله کشورهای در حال توسعه به تصویب برسند. بالا بودن استانداردها، صادرات کشورهای در حال توسعه را با مشکل مواجه می‌کند. هماهنگ شدن کشورهای در حال توسعه با استانداردهای جهانی این امکان را به وجود می‌آورد که به همه بازارهای جهانی دسترسی داشته باشند. البته در خصوص نفت و فراورده‌های آن بستگی به این دارد که یکسان‌سازی مقررات فنی و استانداردها در چه سطحی انجام شود، به‌ویژه با تأکیدی که در چند سال اخیر به محیط زیست معطوف شده و توجه به آن در همه جهان روندی رو به رشد دارد، می‌تواند موانعی جدی بر سر راه تجارت نفت و فراورده‌های آن باشد. مقررات این موافقت‌نامه برای کشورهای نفت‌خیز اهمیت زیادی دارد؛ زیرا مقررات و استانداردهای فنی در بخش نفت از دیگر صنایع پیچیده‌تر است و می‌تواند موقعیت رقابتی آنها را در دسترسی به بازار شرکای تجاری خود تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال ترکیبات به کار رفته در مشتقات نفتی برای ورود به بازار کشورهای توسعه‌یافته بعضاً با موانع فنی این کشورها مواجه می‌شود.

۴-۵ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات

این موافقت‌نامه اگرچه به‌طور مستقیم تجارت نفت و فراورده‌های نفتی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؛ اما به‌دلیل تأثیر مهمی که بر تولید نفت دارد تجارت آن را غیرمستقیم دستخوش تحول می‌سازد و این امر از طریق به‌وجود آمدن تغییر و تحولاتی است که در ساختار خدمات مرتبط با نفت به انجام می‌رسد. به‌طور کلی خدمات مرتبط با نفت شامل محدوده وسیعی است که از خدمات مرتبط با اکتشاف و استخراج نفت تا توزیع محصولات نهایی را شامل می‌شود. فعالیت‌های مرتبط با اکتشاف، حفاری‌ها، پالایش، حمل‌ونقل، توزیع و مدیریت را می‌توان هسته اصلی این خدمات برشمرد.

دیگر خدمات را می‌توان شامل مشاوره طراحی و مهندسی، انبارداری و ... دانست که در مجموع نقش چشمگیری در تجارت جهانی نفت ایفا می‌کنند. درباره خدمات انرژی به‌خصوص نفت باید گفت که این فعالیت‌ها به‌شدت تحت تأثیر ساختار بازار آن قرار دارند. در این ساختار همه فعالیت‌های مرتبط با صنعت نفت و از جمله خدمات مرتبط با آن در کنترل دولت‌ها یا شرکت‌های خصوصی است و این امر موجب شده که رقابت در این فعالیت‌ها به کمترین سطح خود برسد.

بر این اساس در صورت ورود نفت و فراورده‌های نفتی به مذاکرات سازمان جهانی تجارت این فعالیت‌های خدماتی که نقش مهمی در صنعت جهانی نفت دارند مشمول توافقات آزادسازی تجارت خدمات خواهند شد که می‌تواند آثار متفاوتی بر کشورهای مختلف برجای گذارد. در واقع اعضای سازمان جهانی تجارت متعهدند هر نوع محدودیت خدمات انرژی را متوقف کنند. البته طبقه‌بندی خدمات در سازمان جهانی تجارت بخش مجزایی برای خدمات انرژی در نظر نگرفته است. ولی چند زیربخش مجزایی که می‌توان به فعالیت‌های انرژی مرتبط کرد عبارت‌اند از: «خدمات برای معادن و توزیع انرژی و توافق بر دستمزد یا مبنای قرارداد در میادین نفت و گاز در خدمات کسب‌وکار و انتقال نفت خام، فراورده‌های نفتی و گاز از طریق خط لوله در خدمات انتقال (Selivanova, 2007).

۴-۶ موافقت‌نامه تعیین کشور مبدأ

قانون کشور مبدأ^۱ تعیین می‌کند که منشأ محصولی که فرایند تولید آن در چند کشور طی شده کدام کشور است. امروزه بیشتر محصولات در نتیجه همکاری چند کشور تولید می‌شوند و گاه به راحتی نمی‌توان منشأ اصلی محصول را از نظر تجارت بین‌المللی تعیین کرد. به طور معمول سه ملاک برای تعیین کشور مبدأ هر محصول به کار می‌رود:

۱. تغییر طبقه‌بندی تعرفه‌ای: این ملاک مبدأ محصول را کشوری می‌داند که انجام عملیات ساخت، تولید و فراوری در آن به تغییر در طبقه‌بندی تعرفه‌ای محصول منجر شده است.
۲. درصد ارزش افزوده: براساس این ملاک عامل تعیین‌کننده منشأ محصول این است که در کدام کشور بیشترین ارزش افزوده ایجاد شده است.
۳. ملاک فرایند ساخت و تولید: این ملاک عملیات مهم و کلیدی را مبنای تعیین کشور مبدأ قرار داده است.

هدف نهایی توافق‌نامه تعیین کشور مبدأ، دستیابی به مجموعه قواعد هماهنگی است که اعضا باید در خصوص تعیین منشأ محصولات وارداتی به کار برند. این قواعد نباید تأثیر محدودکننده، مختل‌کننده یا مخربی بر تجارت بین‌المللی بگذارد و باید بر اصول عدم تبعیض و قاعده رفتار ملی مبتنی باشد.

۵ راهبردهایی برای کشورهای وابسته به درآمد نفتی

از آنجا که نفت یکی از منابع مهم تأمین نیازهای انرژی جهان به‌شمار می‌رود، اقتصاد نفت خام جنبه بین‌المللی پیدا کرده است، هرچند اقتصاد فراورده‌های نفتی به نیازهای داخلی جوامع و کشورها مربوط است، با این حال جنبه جهانی آن آشکار است. در واقع امروزه نفت عاملی اساسی برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی، صنعتی، سیاسی و تأمین امنیت ملی

1. Rules of Origin

به حساب می‌آید. شمول نفت در سازمان جهانی تجارت باعث کم‌اثرتر شدن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در ورود به بازار، حذف یا کاهش مالیات‌هایی که مصرف‌کننده می‌پردازد و دیگر عواملی می‌شود که علیه منافع تولیدکننده است. به علاوه صادرکنندگان نفت می‌توانند از سازوکار رفع حل اختلافات سازمان جهانی تجارت بهره ببرند. اطلاعات درباره تجارت آزاد بین ونزوئلا، شیلی و آرژانتین نشان می‌دهد تجارت آزاد عامل گسترش دسترسی به بازار برای این کشورها بوده است. شمول بحث نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت بر کشورهای صادرکننده نفت آثار متفاوتی دارد. تأثیر این موضوع به دوام منابع نفتی کشورها، ساختار اقتصادی و ترکیب صادرات نفتی و درجه توسعه یافتگی آنها بستگی دارد (حائریان اردکانی، ۱۳۸۱).

با توجه به اینکه بیشتر کشورهای در حال توسعه نفتی به درآمدهای نفتی وابسته نیستند در صورت شمولیت نفت در سازمان جهانی تجارت راهبردهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به سابقه سازمان جهانی تجارت به نظر می‌رسد اعضای که سهم تجاری مؤثری در این سازمان دارند، بهتر توانسته‌اند با تفاسیر شخصی یا گروهی قوانین گات را تحت تأثیر قرار دهند و از این قوانین تفاسیر مختلفی برداشت کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود کشورهای صادرکننده نفت در دبیرخانه اوپک یا هر سازمانی گروهی از کارشناسان سطح بالا تشکیل دهند تا توانایی انجام مطالعات عمیق درباره موضوعات گات و نفت را داشته باشند. این گروه از کارشناسان بایستی موقعیت کلی، موضوعات و مشکلاتی که انتظار می‌رود در سازمان جهانی تجارت پیش آید را مطالعه کرده و رهنمودها و توصیه‌های مناسبی را برای مذاکره‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان این کشورها برای بهره‌برداری حداکثری از مذاکرات این سازمان ارائه کنند.

۲. صادرکنندگان مهم نفت به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس که بخش عمده‌ای از نیاز جهانی نفت را تأمین می‌کنند باید برای تأسیس یک شکل نفتی عضو سازمان جهانی تجارت تلاش کنند. این گروه باید جلسات منظمی را تشکیل دهند، اگرچه

ضرورتی ندارد در قالب نهاد رسمی باشد. به هر حال، با تشکیل این جلسات کارشناسان ارشد و مسئولان کشورها می‌توانند تجربیات خود را از کانال گروهی و هماهنگ شده‌ای در مذاکرات سازمان جهانی تجارت مطرح کنند.

۳. پیشنهاد می‌شود در محاسبه قیمت‌های پایین‌تر انرژی در بازار داخلی کشورهای صادرکننده نفت، به جای نرخ دلار، معیار برابری قدرت خرید، ملاک عمل قرار گیرد. بر مبنای این معیار ممکن است این نتیجه حاصل شود که آنچه برای قیمت‌های دوگانه و یارانه‌ای انرژی مطرح است در واقع بسیار هم نیست.

۴. از آنجا که وضع مالیات‌های یکسان بر نفت وارداتی و نفت تولید داخلی مطابق مقررات گات مجاز شمرده می‌شود و با توجه به اینکه در بسیاری از کشورهای نفت تولید داخلی بسیار ناچیز است یا اصلاً وجود ندارد، بنابراین احتمال اعتراض به چنین مالیات‌هایی در آینده وجود دارد. به‌ویژه وقتی انتظار می‌رود در آینده سازمان جهانی تجارت مقررات خود را به اقتصادهای ملی نیز تسری دهد. این موضوع همچنین در صورتی مصداق می‌یابد که کشورهای مهم مصرف‌کننده نفت در آینده با ادعای حفاظت از محیط زیست مالیات‌های بیشتری وضع کنند.

۵. پیشنهاد می‌شود آموزش و جذب نیروی انسانی متخصص و نخبه از مهم‌ترین برنامه‌های کشورهای اوپک باشد. چون در دنیای امروزی سرمایه انسانی بالاترین و باارزش‌ترین سرمایه مورد نیاز بازیگران عرصه بین‌المللی است.

۶. با توجه به ارتباط میان انرژی‌های فسیلی و محیط زیست، کشورهای نفتی باید در کنار کشورهای در حال توسعه، در روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مهم در خصوص مسائل و مشکلات جهانی زیست‌محیطی حضور فعال و استراتژیک داشته باشند تا در قالب نشست‌های زیست‌محیطی منافع جمعی خود را لحاظ کنند.

۷. با توجه به اینکه با شمولیت نفت به سازمان جهانی تجارت، شرکت‌های نفتی به‌طور

رقابتی‌تر در کشورهای نفتی فعالیت خواهند داشت و همچنین شرکت‌های ملی نفتی در این کشورها باید براساس قوانین بازرگانی با شرکت‌ها رقابت کنند، پس کشورهای نفتی به‌خصوص عضو اوپک باید بدون از دست دادن زمان، مسئله جذب و توسعه تکنولوژی را مدنظر قرار داده و عقب ماندن از قافله تکنولوژی را مهم‌ترین چالش فراروی خود بدانند.

۶ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس مطالبی که بیان شد و مطابق اصول و موافقت‌نامه‌های مختلف مثل کامله‌الوداد، رفتار ملی و محدودیت مقداری؛ وقتی بحث نفت مانند دیگر کالاها در مذاکرات سازمان جهانی تجارت وارد شود و قیمت‌گذاری آن آزاد و رقابتی انجام گیرد، عوامل سیاسی و روابط غیرمتعادل کشورهای واردکننده و صادرکننده نفت دیگر تأثیری در تعیین قیمت آن نخواهند داشت و نفت از حالت کالایی استراتژیک و سیاسی به کالایی معمولی تبدیل می‌شود.

از آنجا که قیمت نفت در بازار تحت تأثیر مسائل مختلف روانی، عرضه و تقاضا و ... است، تحت شمول قرار گرفتن آن در سازمان جهانی تجارت نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر این مسائل تأثیرگذار خواهد بود. اصولی مثل رفتار ملی و محدودیت مقداری نیز می‌تواند به ترتیب به‌طور مستقیم بر تقاضا و عرضه نفت خام تأثیرگذار. علاوه بر این موافقت‌نامه‌هایی مثل تجارت خدمات می‌تواند نقش شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات مهندسی را در مراحل مختلف تحت تأثیر قرار داده و به سمت رقابتی شدن پیش برد.

به‌طور کلی با توجه به اینکه بیشتر کشورها (چه تقاضاکننده و چه عرضه‌کننده نفت خام) عضو سازمان جهانی تجارت هستند، با تحت شمول گرفتن نفت خام در این سازمان برخی موارد که در حال حاضر بر بازار و قیمت نفت تأثیرگذارند مانند استفاده از قوانین غیرتعرفه‌ای مثل تحریم در بازار نفت حذف خواهد شد. از آنجا که کشورهای واردکننده و صادرکننده نفت به دنبال منافع خود هستند، کشورهای صادرکننده برای حفظ منافع ملی

باید نفوذ و قدرت تأثیرگذاری خود را در این سازمان بیشتر کنند. البته از آنجا که نفت همانند کالایی مطرح است که دولت‌های مختلف در مورد تجارت آن دخالت می‌کنند بنابراین احتمالاً تأثیر سازمان جهانی تجارت بر بازار نفت خام طی زمان طولانی خود را نشان خواهد داد.

Archive of SID

منابع و مآخذ

۱. اکبری، نورالدین (۱۳۸۹). «تأثیر پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت بر ساختار صنعت نفت ایران»، مجله نفت و انرژی، ش ۴.
۲. بهروزی‌فر، مرتضی (۱۳۸۱). «اوپک و جهانی شدن اقتصاد»، *اقتصاد انرژی*، ماه سوم (خرداد).
۳. حائریان اردکانی، محمود (۱۳۸۱). «نفت و سازمان جهانی تجارت»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال دوازدهم و سیزدهم، ش ۴۴ و ۴۵.
۴. حبیبی دباغ، محسن (۱۳۸۹). «عضویت در سازمان جهانی تجارت و اقتصادهای وابسته به نفت خام»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال هشتم، ش ۲۸.
۵. ژیمنزگوئرا، آندریا (۱۳۸۱). «سازمان جهانی تجارت و نفت»، ترجمه یوسف جمسی، *اقتصاد انرژی*، ماه نهم (آذر).
۶. عبدالله، حسین (۱۳۸۲). «پیامدهای گات و سازمان جهانی تجارت برای کشورهای صادرکننده نفت»، ترجمه احمد زمانی، *مجله اقتصادی*، دوره دوم، سال اول، ش ۳.
۷. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۸). «چشم‌انداز ورود نفت به سازمان جهانی تجارت و تأثیر آن بر اقتصاد کشورهای نفتی خاورمیانه»، همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
۸. مهرآرا، محسن و سجاد برخوردار (۱۳۸۶). «بررسی آثار کاهش تعرفه از طریق الحاق ایران به WTO و بر بخش‌های اقتصادی در قالب مدل تعادل عمومی قابل محاسبه»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۸۰.
9. Bina, Cyrus and Vo Minh (2007). "OPEC in the Epoch of Globalization: An Event Study of Global Oil Prices", *Global Economy Journal*, Vol. 7, Issue 1.
10. Chang, P. and M. Lee (2011). "The WTO Trade Effect", *Journal of International Economics* 85.
11. Desta, Melaku Geboye (2003). "The Organization of Petroleum Exporting Countries, The World Trade Organization, and Regional Trade Agreements", *Journal of World Trade*.
12. Finger, J. M. and B. Hoekman (1999). "Developing Countries and the New Trade Round: Lessons from Recent Research", The World Bank, Washington, mimeo.
13. Gibbs, M. (2003). "Energy Services, Energy Policies and the Doha

Agenda", in Energy and Environmental Services: Negotiating Objectives and Development Priorities. NCTAD, United Nations, New York, US. Geneva, Switzerland.

14. Selivanova, Yulia (2007). "The WTO and Energy: WTO Rules and Agreements of Relevance to the Energy Sector", Energy Charter Secretariat.
15. Schott, J. and J. Watal (1999). "Decision-making in the WTO", *International Economics Policy Brief*, No. 00-2, Institute for International Economics.